

بررسی تطبیقی نام آواها در دو زبان فارسی و انگلیسی بر اساس نخستین نظریه‌های نام آوایی

فروغ کاظمی¹

انیس ابراهیمی²

چکیده

در مقاله حاضر سعی بر آن است تا نام آواها در دو زبان فارسی و انگلیسی به روش توصیفی-تحلیلی بررسی شود. ابتدا 60 نام آوا در این دو زبان به همراه معنا و کاربردشان معرفی و توصیف، سپس بر طبق سه نظریه «ding-dong» و «pooh-pooh» و «bow-bow» طبقه‌بندی می‌شود. در پی آن نام-آواهای دو زبان مقایسه و وجوه اشتراک و افتراق آنها مشخص و تبیین می‌شود. یافته‌ها حاکی از آن است که نظام واجی متفاوت (محدودیت واجی)، الگوی هجایی متفاوت، تعابیر متفاوت از نام آوا و تکرار/دوگان‌سازی متفاوت عواملی‌اند که تفاوت‌ها را تبیین می‌کند و وجود واج‌های مشترک عاملی است که شباهت‌ها را آشکار می‌سازد. نتایج نشان می‌دهد که با وجود منبع صوت یکسان (صداهای طبیعت، حیوانات و اصوات عاطفی) و علیرغم باور به رابطه طبیعی بین لفظ و معنا تفاوت‌های بارزی را می‌توان در مطالعه بنیازبانی نام آواهای فارسی و انگلیسی نشان داد.

واژه‌های کلیدی: نام آوا، نظام واجی، الگوی هجایی

1- مقدمه

در یونان باستان، فلسفه تمامی قلمرو دانش انسان را فراگرفته بود. از همین رو، بررسی زبان نیز بخشی از فلسفه محسوب می‌شد. در آثار به‌جامانده از فلاسفه یونان باستان، به ویژه افلاطون و ارسطو ملاحظات و بررسی‌هایی درباره زبان با توجه به زبان یونانی مشاهده می‌شود. نخستین حوزه فکری درباره زبان میان فلاسفه یونان، اعتقاد به طبیعی بودن پیوند میان صورت آوایی و معنی واژه در برابر قراردادی بودن آن بود. حوزه فکری یادشده یک قرن جدال میان دو گروه از فلاسفه یونان را به صورت دو رشته بحث‌های طولانی شامل می‌شد. این دو گروه طبیعیون³ و قراردادیان⁴ نامیده می‌شدند. طبیعیون عقیده داشتند که

¹ - استادیار گروه زبان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

f.kazemi86@yahoo.com

² - دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

ebrahimianiss@gmail.com

³ - Conventionalism

⁴ - Naturalism

زبان ماهیتی طبیعی دارد و از همین رو منشأ و نیز معنی واژه‌ها را در صورت آنها می‌توان جستجو کرد. دلیل آنان وجود واژه‌هایی بود که از راه تقلید صداهای طبیعی مانند صدای جانوران و یا برخی پدیده‌های دیگر از جمله صدای ریزش آب، صدای برخورد چیزها با یکدیگر و جز اینها پدید آمده است. افلاطون که طبیعت‌گرا بود، باور داشت که همه واژه‌ها با مفاهیم خود رابطه‌ای طبیعی دارند. در بعضی واژه‌ها این رابطه آشکار است و افراد عادی هم آن را درمی‌یابند. واژه‌هایی از قبیل کوکو، میومیو، شُرْشُر، جرینگ که بر صدای فاخته، گربه، ریزش آب، شکستن شیشه دلالت دارند. ارسطو این نظر را رد کرد و گفت که رابطه لفظ و معنی واژه قراردادی است و تفاوت واژه‌های زبان‌های مختلف را دلیل بر قراردادی بودن دلالت لفظ بر معنی دانست. مثل میوه‌ای که در فارسی سیب، در عربی تَفَاح و در ترکی آلما، در انگلیسی apple و در فرانسوی «pomme» تلفظ می‌شود.

پس از ارسطو نیز میان دانشمندان در این مسئله اختلاف نظر وجود داشت. مثلاً برخی از دانشمندان اسلامی و ایرانی به ذاتی بودن رابطه لفظ و معنی اعتقاد داشتند. از جمله خلیل ابن احمد فراهیدی و سیبویه که باور داشتند عرب لفظ را بر شکل و هیئت معنی می‌سازد. ابوعلی فارسی و شاگردش ابن جنی و سیوطی و میرداماد نیز رابطه لفظ و معنی را طبیعی می‌دانستند. گرچه امروزه، زبان‌شناسان قراردادی بودن رابطه لفظ و معنی را به اثبات رساندند، اما همه آنان بر این باورند که در تمام زبان‌های دنیا گروهی از واژه‌ها وجود دارد که دلالت لفظ آنها بر معنی کمابیش طبیعی و ذاتی است. بر پایه نظریه طبیعی بودن زبان، واژگان زبان در اصل بر پایه همین گونه رابطه طبیعی میان صورت آوایی و معنی واژه‌ها استوار است؛ یعنی میان چیزها و واژه‌هایی که به آنها اشاره می‌کنند، رابطه‌ای طبیعی یا «نام آوایی»¹ برقرار است. نام آوا در زبان فارسی عموماً با تکرار کلمه‌ای که صدا و آوای مورد نظر را به یاد می‌آورد ساخته می‌شود. مثلاً نام آوایی که بر آواز و صدای سُرْفه کردن دلالت دارد، «کُخْ» در زبان فارسی وقتی نام آوا تلقی می‌شود که تکرار شود و جُفت همسان را بسازد یعنی کُخْ کُخْ. و همچنین خِر، که به صدای ناصاف گوش‌خراشی که از کشیدن اشیایی چون قطعه سنگ و آهن و مانند آنها بر روی چیزی درشت حاصل می‌شود اطلاق می‌گردد، در زبان فارسی زمانی نام آوا شمرده می‌شود که تکرار شود یعنی خِر خِر. نام آواهای وِزوز (صدایی که از ارتعاش بال‌های زنبور پدید می‌آید، تُرْبُ تُرْبُ (صدایی که از افتادن ناگهانی چیزی بر خاک پدید می‌آید)، عوعو (صوت سگ) و هِرهر (صوتی که از نوعی خنده بلند و مهیب بر می‌آید).

امروزه نام‌آوا و مطالعه آن از اهمیت بالایی برخوردار است. چرا که به بحث درباره منشأ زبان مربوط است. بعضی از دانشمندان نام‌آواها را منشأ زبان‌ها می‌دانند. به هر حال به دلیل طبیعی بودن نام‌آواها و اهمیت آنها در زبان گفتاری به ویژه گفتار عاطفی و نظر به اهمیت ویژه آن در شعر، در بسیاری از زبان‌ها، ده‌ها سال و در مواردی یکی دو قرن پیش فرهنگ نام‌آوایی تدوین شده و تحقیقات بسیاری در مورد نام‌آواها و انواع و نقش‌های آنها صورت گرفته است. مثلاً فرهنگ نام‌آوای فرانسه را «شارل نادیه»

¹ - Onomatopoeia

نزدیک به دو قرن پیش (1808) نوشته است. هرچند پژوهش‌ها و کتاب‌های ارزشمندی در این باب نوشته و به چاپ رسیده اما کمتر مقایسه نام‌آواها در دو یا چند زبان صورت گرفته است. لذا در این پژوهش بر آنیم که در درجه اول اصل نام‌آوا و سپس عواملی که موجب شباهت‌ها و تفاوت‌های نام‌آوایی در زبان می‌شود، بررسی شود. حال مسئله پژوهش این است که آیا یکسان بودن منبع صوت دلیلی برای یکسانی نام‌آواها در زبان‌ها است؟

2- پیشینه مطالعات

وحیدیان کامیار (1375) به مطالعه فرایند نام‌آوا پرداخت. او بر این باور است که سخن در نام‌آوا است. نام‌آوا واژه است اما نه واژه معمولی زبان. واژه‌ای است طبیعی و واقعی نه قراردادی و مصنوعی. هر واژه همچون سکه دو رویه دارد، رویه لفظ و رویه معنی. لفظ بر معنی دلالت دارد. نجیب مایل هروی (1374) معتقد است وجود نام‌آوا پیوند اهل زبان را با طبیعت به اثبات می‌رساند. به همین جهت در زبان‌هایی که سخنگویان آن با طبیعت بیشتر آلفت دارند نام‌آواهای بیشتری وجود دارد. واژگان زبان به قیاس با نام‌آواها در مرحله فروتر نظام واژگانی قرار می‌گیرد، زیرا آن کیفیت محسوس و زنده‌ای که در نام‌آوا است و اهل زبان آن را درمی‌یابد در واژگان با دلالت صرفاً وضعی زبان دیده نمی‌شود. نام‌آوا در زبان و ادبیات فارسی یکی از مسائل درخور توجه زبان‌شناسی است. نام‌آوا در زبان فارسی عموماً با تکرار کلمه‌ای که صدا و آوای مورد نظر را به یاد می‌آورد ساخته می‌شود. مثلاً نام‌آوایی که بر آوا و صدای سُرْفه کردن دلالت دارد؛ یعنی «کُخ» در زبان فارسی وقتی نام‌آوا تلقی می‌شود که تکرار شود و جُفت همسان را بسازد یعنی کُخ کُخ. مکس مولر (1891) نام‌آوا را همانند یک وسیله بازی قلمداد می‌کند. او معتقد است که نمی‌توان نام-آوا را به عنوان بخشی از نظام زبان دانست. مولر استدلال می‌کند که نام‌آواها بی‌معنا و فاقد ریشه و همچنین بی‌حاصل‌اند. این بدان معناست که قابلیت تولید کلمات جدید را ندارند.

سُبکویاک¹ (1990) می‌گوید نام‌آوا ساخت تقلیدی کلمات از صداهای طبیعی است که در تمام زبان‌های دنیا وجود دارد. نام‌آواها نقش مهمی در توسعه زبان داشته‌اند. از آنها هم در نوشتار و هم در گفتار استفاده می‌شود. منبع نام‌آواها را به چهار بخش می‌توان تقسیم کرد: صدای طبیعت - صدای حیوانات - صدای تولیدی توسط انسان - صداهای متفرقه. نام‌آواها علامت‌هایی قراردادی و متداول‌اند نه صرفاً پژواک تقلیدی. حتی اگر صرفاً از تقلید صدا نام‌گذاری شوند، نام‌گذاری برایشان اختیاری است نه اجباری.

ناویوکی² (1990) نام‌آوا را از بعد روان‌شناسی بررسی کرد. او نام‌آواهایی که نام آنها از صحبت کردن‌های معمول، صوت‌های عاطفی مانند شادی و غم و پژواک صدا گرفته می‌شود با استفاده از تحلیل چندبعدی بررسی کرد و نشان داد که هر یک از نام‌آواها در هر کدام از این شاخه‌ها می‌تواند در بُعدی قرار

¹ - Sobkowiak, W.

² - Naoyuki, O.

گیرد که روان‌شناسی را نشان دهد؛ به عبارت دیگر هر فرد با به کار بردن نام‌آوایی خاص، احساس خودش در همان لحظه را نشان می‌دهد.

میلر¹ (2010) در مقاله خود پیشرفت بالقوه تجربی را در نظام رسانه‌ای بررسی کرد که از طریق آن، فرد می‌تواند معنا را در میان تمامی موانع زبانی منبع صدا از نام آواهای متداول بیازماید. در این مقاله زبان «بهاسا» از اندونزی برای خارجی‌ان و غیر خارجی‌ان جهت بررسی جهت‌گیری زبانی در نظر گرفته شد. کریستال² (1997) معتقد است که با وجود اینکه منبع صدا برای نام‌آواها یکسان است، اما در فرهنگ‌های مختلف به صورت متفاوت تولید می‌شوند. در واقع برای ساخت نام‌آوا از همخوان‌های مختلفی استفاده می‌شود. زعفرانلو و رحمانی (2014) نام‌آواها را در تبلیغات بررسی کردند. آنها در مقاله خود تعدادی از نام-آوای انگلیسی و فارسی را به هدف مشخص کردن تفاوت‌ها و شباهت‌های واجی و کارکردشان در گفتمان تبلیغاتی بررسی کردند. طبق نتایج این مقاله، برخی عملکردهای نام‌آواها در انگلیسی و فارسی متفاوت از هم است. به خصوص آن نام‌آوایی که به صدای حیوانات ارتباط دارد. در این مقاله تفاوت موجود، ناشی از تفاوت گونه‌های جانوری و همچنین نظام‌های واجی یا ساخت‌واژی زبان‌های مختلف است.

3- روش‌شناسی پژوهش

داده‌های این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای از دو زبان فارسی و انگلیسی گردآوری شده است. حجم داده‌های مورد بررسی 60 نام‌آوا است. بدین صورت که از هر زبان 30 نام‌آوا انتخاب شد و مورد مطالعه قرار گرفت. معیار و ملاک انتخاب داده‌ها سه نظریه مطرح یعنی «Ding-Dong»، «Bow-Bow»، «Pooh-Pooh» است. به دلیل آنکه پژوهش بر اساس سه نظریه مذکور انجام شد، داده‌ها نیز مطابق با آنها گردآوری و سعی شده است که طبق هر نظریه تعداد محدودی نام‌آوا فهرست شود. نخست فهرست نام‌آوای فارسی تهیه و سپس معادل آنها در زبان انگلیسی گردآوری و استخراج شد و در مرحله بعد معنا و کاربرد آنها مشخص گردید. سپس از آنها برای تحلیل و مقایسه استفاده شد. از این رو، پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی³ انجام شده است.

4- نام‌آوا

ریشه واژه «onomatopoeia» از دو بخش ساخته شده است. بخش اول واژه «onoma» یا «onomatos» به معنی واژه یا نام است و بخش دوم آن یکی از مشتقات «poiein» به معنای تصنیف کردن، ساختن و سرودن است. نام‌آوا یا اسم صوت به واژه‌ای گفته می‌شود که از صداها موجود در

¹ - Miller, CH.

² - Crystal, D.

³ - Descriptive Analytic

طبیعت یا صدای حیوانات تقلید شده؛ مانند: (آسمان) غرمبه، شرشر (آب)، جرینگ (شکستن شیشه)، چهچه (بلبل) و قوقولی قوقو (خروس) در زبان فارسی. نام صوت‌های عاطفی نیز در زمره نام قرار دارند؛ مانند قهقهه (خنده)، هن‌وهن (ناشی از خستگی) یا آه (که به هنگام اندوه از دهان بیرون می‌آید). واژه-شناسان نام‌آوا را به واژه‌هایی محدود می‌کنند که به تقلید صدا ساخته شده‌اند؛ مانند عوعو سگ. اما زبان‌شناسان آن را شامل هر واژه‌ای می‌دانند که میان لفظ و معنای آن رابطه طبیعی یا ذاتی باشد؛ مانند واژه‌هایی که پژواک صداها است. مثل جیک جیک برای گنجشک و جوجه، کوکو برای سایر پرندوها، شُرْشُر برای آب و یا چیک چیک برای قطرات آب یا واژه‌هایی که ایجاد احساسی در بدن ما را بیان می‌کنند؛ مانند: مورمور، گِرِگِر، زُقْزُق، قیلی‌ویلی. نام‌آوا در تعریف زبان‌شناسی به واژه‌هایی گفته می‌شود که از صداها موجود در طبیعت تقلید شده‌اند و در همه زبان‌های جهان نیز وجود دارند (وحیدیان کامیار، 1375: 10).

در برخی موارد از نام‌آوا به «آوازه» یاد شده است. آوازه از ادغام آوا + واژه ساخته شده و بخش تکراری آن حذف گردیده است. در زبان انگلیسی هم واژه‌های زیادی وجود دارند که از روی صدای واقعی پدیده ساخته شده‌اند مانند «beep splash»، «bang» و «zoom» این واژه‌ها نیز نام آوا محسوب می‌شوند.

4-1- نظریه‌های نام‌آوایی

بعضی از دانشمندان نام‌آوا را منشأ زبان‌ها می‌دانند و در این مورد نظریه‌های مختلفی ارائه شده است که در ذیل به آنها اشاره می‌کنیم.

4-1-1- نظریه «Ding-Dong»

بر اساس نظریه «Ding-Dong» نخستین کلمات از تقلید صداها طبیعی¹ که مردان و زنان اولیه در اطراف خود می‌شنیدند، به وجود آمده است. این نظریه، نام‌آواها را سرچشمه زبان بشر می‌داند. نام‌آوا، نامی است که بر اساس آوای جسم مورد نظر انتخاب شده است (بول، 2006: 2). برای مثال در زبان فارسی، «شارش» و «شاریدن» در فیزیک، «شُرْنا»، «شُریدن» و «شُرْشُر کردن» در زبان عمومی، همگی از صدای مربوط به جریان آب یا اشیای سیال گرفته شده و هم ریشه‌اند. وزوز کردن، بَب کردن و... هم از همین دسته‌اند. این نظریه نمی‌تواند پیدایش واژگانی چون سخره، دریا، مادر، پدر و نیز واژگان انتزاعی در زبان را توضیح دهد و در نتیجه مورد پذیرش همگان نیست.

4-1-2- نظریه «Bow-Bow»

این دیدگاه در ارتباط نزدیک با نظریه دینگ دانگ و البته محدودتر از آن است و سرچشمه زبان‌ها را تقلید از نام‌آواهای حیوانات می‌داند. این نظریه از دیدگاه پیشین هم کم اعتبارتر است (بول، 2006: 2).

¹ - Natural Sound

4-1-3- نظریه «Pooh-Pooh»

بر اساس این نظریه نخستین واژگان همه زبان‌ها، کلمه‌هایی برخاسته از آوای مربوط به احساسات انسان است. هواداران این دیدگاه بر این باورند که آوایی همچون ناله ناشی از درد، خنده ناشی از شادی، گریه ناشی از غم و... تکامل یافته و واژگان در زبان را به وجود آورده‌اند (بول، 2006: 2). این نظریه، نظریه اصوات یا «Exclamation Theory» نیز خوانده می‌شود که منشأ زبان‌ها را اصوات عاطفی می‌داند (وحیدیان کامیار، 1375: 14).

4-2- انواع نام‌آواها از نظر یسپرسن و اولمن

زبان‌شناسانی مانند یسپرسن¹ و اولمن² هر لفظی را که رابطه میان لفظ و معنایش، رابطه طبیعی باشد، نام‌آوا می‌دانند. در زیر انواع نام‌آواها را از دیدگاه این زبان‌شناسان مطالعه می‌کنیم:

- 1- نام‌آوایی که لفظ آنها بر صدا دلالت دارد. مانند غار غار، وینگ، خرخر و غیره.
- 2- نام‌آوایی که لفظ آنها بر مولد صدا دلالت دارد. مانند کوکو که صدای فاخته است. اما به خود فاخته نیز دلالت می‌شود یا بدبده که صدای کرک (بلدچین) است. اما به خود آن گفته می‌شود. واژه‌هایی مانند پُتک، آره، ماله، رنده، چکش، زنجیر، زنگ، بوق، سوت و غیره از این مقوله‌اند.
- 3- واژه‌هایی که لفظ آنها بر صدا دلالت ندارد. بلکه بر حرکت و عمل همراه با صدا دلالت می‌کند. مانند بوس و ماچ که بر عمل دلالت دارد نه خود صدا.
- 4- نام‌آوایی که مدلول آنها صدا ندارد که به گوش برسد اما احساس می‌کنیم که دارای صدا است. مانند زُق زُق، مورمور، گیزگیز، قیلی ویلی.

5- نام‌آوایی که بر صوت دلالت ندارد. یعنی مدلول آنها دارای صدا نیست. مانند ریز، فیسقل، باریک، نزدیک، دُرُشت، بزرگ، گُنده، کُلفت، دور و غیره. رابطه لفظ و معنی در این‌گونه واژه‌ها طبیعی و ذاتی است. زیرا مصوت‌های «a، e، i» زیر و (به ترتیب از راست به چپ) بر کوچکی دلالت دارند و مصوت‌های «â، u، o» بم‌اند (به ترتیب از راست به چپ) و بزرگی را می‌رساند. صدای بچه‌ها بیخ است و صدای بزرگ‌ترها بانگ. صدای جوجه جیک جیک است و صدای مرغ قُدُقُد یا قات قات (وحیدیان کامیار، 1375: 29).

4-3- ویژگی‌های نام‌آوا در زبان فارسی

نام‌آوای فارسی دارای ویژگی‌هایی به قرار زیر است:

- 1- نام‌آوای فارسی بیشتر به صورت تکرار و دوتایی است: خر خر، وزوز، تلق تلق، جلیزولیز، تلق وتلوق، جغوربغور
- 2- برخی از نام‌آواها به صورت تکی به کار می‌روند و بر سه گونه‌اند:

¹ - Jespersen, O.

² - Ultmann, S.

- الف. تک‌هجایی: غژ، تق، دامپ
 ب. دو هجایی: جرینگ، تلپ، گرومپ
 پ. سه هجایی و بیشتر: فوقولی فوقو
 3- نام‌آوهای دوتایی از نظر میانوند بر سه گونه‌اند:
 الف. میانوند ندارند: عوعو، قارقار، فش فش
 ب. با میانوند «و»: تالاپ‌وتولوپ، اخوتف، خروپف
 پ. با میانوند «ا»: چکاچاک، ترنگاترنگ
 4- از برخی از نام‌آواها مشتقات فعلی و غیر فعلی ساخته می‌شود:
 الف. فعلی: ترکیدن، غریدن، خراشیدن
 ب. اسمی: فرفره، هاف‌هافو، تمبک
 پ. صفتی: غران، غلغلی
 5- از برخی نام‌آواها واژه مرکب ساخته شده است: آبشار، دلهره، چشم‌غره
 6- نام‌آواها نیز با فعل‌ها فعل مرکب می‌سازند: جرجرشدن، قرفرکردن (وحیدیان کامیار، 1375: 43).

5- تحلیل داده‌ها

در این قسمت شباهت‌ها و اختلافات نام‌آوایی بر روی داده‌های دو زبان فارسی و انگلیسی بررسی می‌شود. برای انجام این امر از سه نظریه مطرح که اذعان دارند سرچشمه زبان از آواها است کمک می‌گیریم. طبق این نظریه‌ها نام‌آواها به سه دسته تقسیم شده‌اند. نام‌آوایی از پژواک صداهای طبیعت، نام‌آوایی از صوت حیوانات و نام‌آوایی از صوت‌های عاطفی. در تحلیل داده‌ها، ابتدا نمونه‌های نام‌آوهای فارسی و انگلیسی در جدول‌هایی ارائه می‌شود. سپس این نمونه‌ها بر اساس معیارهایی از قبیل نظام واجی متفاوت، محدودیت واجی، تعابیر متفاوت، تکرار و دوگان‌سازی متفاوت، الگوی هجایی متفاوت و واج مشترک تحلیل و در دو زبان مورد نظر بررسی می‌شوند.

5-1- نام‌آوهای مورد بررسی

نام‌آوهای مورد بررسی در سه دسته به قرار زیر توصیف و طبقه‌بندی شده‌اند. در مقابل هر نام‌آوا در فارسی ابتدا معادل انگلیسی و سپس معنا و یا کاربرد آن آمده است.

5-1-1- نام‌آوهای صداهای طبیعت

معنا/کاربرد نام‌آواها در فارسی و انگلیسی	نام‌آوهای انگلیسی	ردیف	نام‌آوهای فارسی	ردیف
صدای پای اسب	clip clop	11	پیتیکو پیتیکو	1

برگ / کاغذ و ...	frou frou	12	خِش خِش	2
چکه کردن آب و ...	drip drop	13	چیک چیک	3
جوشیدن	gurgle	14	غُل غُل	4
آفتادن چیزی	Plop	15	تِلپ	5
تپش قلب	lub dub	16	بوم بوم / تاپ تاپ	6
کشیده شدن با سرعت	vroom	17	غیژ غیژ / غیژویژ	7
صدای زنجیر و ...	jingle	18	جیرینگ جیرینگ	8
صدای سیلی	Slap	19	چک	9
سوختن چیزی	Fizz	20	جیلیز جیلیز	10

جدول 1- نام آواهای فارسی و انگلیسی مربوط به صداهای طبیعت

5-1-2- نام آواهای صداهای حیوانات

معنا/کاربرد نام آواها در فارسی و انگلیسی	نام آواهای انگلیسی	ردیف	ن م آواهای فارسی	ردیف
خروس	cock-a-doodle-doo	11	قوقولی قوقو	1
مرغ	cluck-cluck	12	قُدُقُد	2
گره	Meow	13	میومیو	3
گنجشک	cheep-cheep	14	جیک جیک	4
کوکو / کبوتر	Cuckoo	15	کوکو	5
زنبور	Buzz	16	ویزویز	6
کلاغ	Caw	17	غارغار	7
جیرجیرک	creak-creak	18	جیرجیر	8
گوسفند	Bae	19	بَبَب	9
گاو	Mooa	20	ماما	10

جدول 2- نام آواهای فارسی و انگلیسی مربوط به صداهای حیوانات

5-1-3- نام آواهای صوت‌های عاطفی

معنا/کاربرد نام آواها در فارسی و انگلیسی	نام آواهای انگلیسی	ردیف	نام آواهای فارسی	ردیف
خندیدن از ته دل	haa-haa	11	ها-ها-ها	1
درد - اتفاق بد	Ouch	12	آخ! آخ	2

3	ایم!	13	Ahem	جلب توجه مخاطب
4	زارزار	14	boo-hoo	گریه کردن شدید
5	مممم!	15	yummmm	خوشمزه بودن چیزی
6	مَلَج مولج	16	Munch	صدای خوردن چیزی
7	اُغ!	17	Ugh	چندش از چیزی
8	اُه!	18	Oops	خراب کاری/نافلاگیری
9	خِرِخِر	19	Wheezy	صدای گلو
10	آخیش	20	Phew	آسودگی از چیزی

جدول 3- نام آواهای فارسی و انگلیسی مربوط به صوت عاطفی

5-2- بررسی تفاوت‌ها در نام‌آواهای دو زبان (وجوه افتراق)

5-2-1- نظام واجی متفاوت (محدودیت واجی)

تعداد واج‌های هر زبان محدود است و برای تقلید همه صداها ناکافی است. در واقع امکان تولید همه صداها برای گویشوران یک زبان وجود ندارد. زیرا هر زبانی واج‌های مختص به خود را دارا است. به بیانی دیگر تعداد واج ممکن است عاملی مهم در ساخت نام‌آوای نزدیک به صوت باشد و این یکی از عواملی است که باعث ایجاد تفاوت در نام‌آواهای فارسی و انگلیسی می‌شود. نمونه‌هایی از داده‌ها در ذیل بررسی می‌شود:

نمونه‌هایی از جدول 1- از صداهای طبیعت:

نمونه 4: صدای جوشیدن ⇐ در فارسی: غُلْ غُلْ / در انگلیسی: gurgle

در زبان انگلیسی واج‌های «غ» یا «ق» وجود ندارد. به همین خاطر معادل آن در این زبان واج /g/ در نظر گرفته شده است تا به صوت نزدیک‌تر باشد. بنابراین وجود و نبود واج در زبان می‌تواند یکی از جنبه‌های ایجاد تفاوت محسوب گردد. دیگر نمونه‌ها به قرار زیر است:

نمونه 7: صدای کشیده شدن ⇐ در فارسی: غیژ ویژر، غیژغیژ / در انگلیسی: vroom

طبق قانون محدودیت واجی در این نام‌آوای انگلیسی واج «غ» وجود ندارد. بر این اساس نام‌آوای «غیژغیژ» امکان حضور نمی‌یابد.

نمونه 2: صدای برگ / کاغذ ⇐ در فارسی: خِش خِش / در انگلیسی: frou-frou

در زبان انگلیسی واج «خ» وجود ندارد. پس تلفظ نام‌آوا در دو زبان فارسی و انگلیسی قطعاً یکسان نیست و این دو متفاوت‌اند.

نمونه‌ای از جدول 3- از صوت‌های عاطفی:

نمونه 2: صدای ناشی از درد ⇐ در فارسی: اُخ! اُخ! / در انگلیسی: ouch

در زبان انگلیسی واج «خ» وجود ندارد. به همین خاطر معادل آن در این زبان واج «چ» به کار رفته است تا به صوت نزدیک‌تر باشد.

برای هر واجی که در الگوی واجی یک زبان دیده نمی‌شود، واجی معادل به کار می‌رود تا گویشوران بتوانند واژه را بیان کنند و منظور را برسانند. زبان فارسی 29 واج و انگلیسی 26 واج دارد. واج‌هایی که زبان فارسی نسبت به انگلیسی بیشتر دارد به ساخت نام‌آوای نزدیک به صوت کمک زیادی می‌کند. اما درعین حال تفاوت وجود دارد.

نمونه‌ای از جدول 2- از صداهای حیوانات:

نمونه 7: صدای کلاغ \Leftarrow در فارسی: غارغار / در انگلیسی: caw

در زبان انگلیسی واج «غ» و «ق» وجود ندارد. به همین خاطر معادل آن در این زبان واج «ک» در نظر گرفته شده است و این به صوت نزدیک‌تر است.

5-2-2- الگوی هجایی متفاوت

الگوهای هجایی هر زبان بستگی به خصوصیات آن زبان دارد. در زبان فارسی سه نوع الگوی هجایی و در زبان انگلیسی بیست نوع الگوی هجایی وجود دارد. الگوی هجایی در زبان فارسی سه حالت دارد:

الف) صامت + مصوت (همخوان + واکه): $v + c$

ب) صامت + مصوت + صامت (همخوان + واکه + همخوان): $c + v + c$

پ) صامت + مصوت + صامت + صامت (همخوان + واکه + همخوان + همخوان): $c + c + v + c$

تفاوت در ساختار هجایی فارسی و انگلیسی عامل دیگری است که باعث ایجاد تفاوت در نام‌آوای

این دو زبان می‌شود:

نمونه 9 از جدول 1- صداهای طبیعت: صدای سیلی زدن \Leftarrow در فارسی: چک / در انگلیسی: slap

معادل انگلیسی سیلی زدن نمی‌تواند در فارسی وجود داشته باشد. زیرا دو همخوان در آغاز هجا دارد

و وجود خوشه دو همخوانی در آغاز هجا یا واژه با قواعد هجایی در زبان فارسی مغایر است.

نمونه 2 از جدول 2: صدای مرغ \Leftarrow در فارسی: فُدفُدف / در انگلیسی: cluck-cluck

معادل انگلیسی صدای مرغ نیز نمی‌تواند در فارسی موجود باشد. زیرا وجود خوشه دو همخوانی در

آغاز هجا با قواعد هجایی زبان فارسی تناقض دارد.

نمونه 8 از جدول 2: صدای جیرجیرک \Leftarrow در فارسی: جیرجیر / در انگلیسی: creak – creak

این معادل انگلیسی نیز به همین دلیل مذکور در فارسی امکان حضور نمی‌یابد. چراکه فارسی و انگلیسی

هر یک ساختار هجایی خاص خود را دارند. از این رو، عدم انطباق ساخت هجایی عامل اصلی در ایجاد

تفاوت بین نام‌آواها است.

5-2-3- تعابیر متفاوت از نام‌آوا

از دیگر عوامل ایجاد تفاوت در نام‌آوای فارسی و انگلیسی تعبیر متفاوت گویشوران این دو زبان از یک نام آوای واحد است. یعنی احتمال دارد که نام‌آوای واحدی در این دو زبان به دو صورت متفاوت تعبیر شود و این تعبیر به صورت قراردادی و ثابت در میان گویشوران آن زبان برقرار می‌شود. در واقع برداشتی که از صدای طبیعی یا صوت حیوان شکل می‌گیرد، لزوماً در این دو زبان یکسان نیست. چراکه جهان-بینی شناخت و نگرش اعضای این دو جامعه زبانی متفاوت است.

نمونه‌هایی از جدول 2- صداهای حیوانات:

نمونه 6: صدای زنبور ⇐ در فارسی: ویز ویز/ در انگلیسی: buzz

نمونه 3: صدای گربه ⇐ در فارسی: میو میو/ در انگلیسی: meow

نمونه‌هایی از جدول 3- صداهای عاطفی:

نمونه 6: صدای خوردن ⇐ در فارسی: ملچ مولوچ/ در انگلیسی: munch

نمونه 8: صدای غافلگیری ⇐ در فارسی: اُه! / در انگلیسی: oops

نمونه‌هایی از جدول 1- صداهای طبیعت:

نمونه 8: صدای زنجیر ⇐ در فارسی: جیرینگ جیرینگ / در انگلیسی: jingle

نمونه 10: صدای سوختن ⇐ در فارسی: جیلیز جیلیز / در انگلیسی: fizz

این صوت‌ها همه طبیعی و از یک منبع صوتی واحد نشأت گرفته‌اند. اما در دو زبان فارسی و انگلیسی به صورت متفاوت تعبیر می‌شوند. صداها هنگام شنیدن هر دو یکسان‌اند تنها تعبیر و تفسیر آنها متفاوت شده است.

5-2-4- تکرار و دوگان‌سازی متفاوت

در نام‌آوای زبان فارسی معمولاً تکرار بیشتر از زبان‌های دیگر و همچنین زبان انگلیسی دیده می‌شود. این تکرار معمولاً با یکسانی دو هجا همراه است؛ یعنی در ساخت نام‌آوای فارسی هجای دوم، تکرار هجای اول است. اما در نام‌آوای زبان انگلیسی هجای دوم متفاوت از هجای اول است. اصولاً جفت بودن و دوگان بودن نام‌آوا در زبان فارسی، علاوه بر یک عادت زبانی، خود دلیل تشدید و تقویت بار معنایی نام‌آوا است. در حالی که این عادت زبانی و تشدید در زبان انگلیسی کمتر دیده می‌شود. افزون بر این، برخی از نام‌آوای تکراری در زبان فارسی مانند «بوم بوم» به صورت تکی کاربرد ندارند و ممکن است که معنای دیگری جز معنای مد نظر از آن استنباط شود. به همین خاطر حتماً باید به صورت دوتایی باشند تا معنا پیدا کنند. این موضوع کاملاً صورت نام‌آوا را در این دو زبان تغییر می‌دهد. نمونه‌های ذیل از داده‌های مورد بررسی این موضوع را نشان می‌دهند:

نمونه‌هایی از جدول 1- صداهای طبیعت:

حوزه کاربرد: آب ⇐ نام آوای فارسی: چیک چیک / نام آوای انگلیسی: /drip drop/

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در نام‌آوای فارسی تکرار یکسان است. اما در انگلیسی تکرار یکسان نیست.

حوزه کاربرد: قلب ← نام آوای فارسی: بوم بوم، تاپ تاپ / نام آوای انگلیسی: /lub dub/ نمونه‌هایی از جدول 3- صوت‌های عاطفی:

نمونه 9: حوزه کاربرد: گلو ← نام آوای فارسی: خِرْخِر / نام آوای انگلیسی: /wheezy/

نمونه 4: حوزه کاربرد: گریه ← نام آوای فارسی: زارزار / نام آوای انگلیسی: /boo - hoo/

در هر یک از نام‌آوای فارسی فوق تکرار یکسان یعنی تکرار کامل دیده می‌شود. در حالی که معادل‌های آنها در زبان انگلیسی تکرار کامل یا یکسان نیست و این عامل جنبه دیگری از تفاوت در نام-آوای فارسی و انگلیسی را نشان می‌دهد.

3-5 - بررسی شباهت‌ها در نام‌آوای دو زبان (وجه/جوه اشتراک) 3-5-1 - واج مشترک

هر زبانی واج‌های مخصوص به خود را دارد. اما در این میان واج‌های مشترکی نیز وجود دارد که در اکثر زبان‌ها کاربرد دارد. زبان‌های فارسی و انگلیسی نیز از این قاعده مستثنی نیستند. در هر کلمه‌ای که برای هر نام‌آوا در دو زبان فارسی و انگلیسی متداول شده است حداقل یک واج یا واج‌های مشترکی وجود دارد. این اتفاق تنها در کلماتی نیفتاده که تعبیر افراد و محدودیت واجی روی آنها تأثیر گذاشته است. اما گفتنی است که حتی این کلمات هم دارای آهنگ مشابهی هستند. در ذیل برخی از واج‌های مشترک در نام-آوای این دو زبان را بررسی می‌کنیم.

نمونه‌هایی از جدول (5-1) مربوط به صداهای طبیعت:

نمونه 1: صدای پای اسب ← در فارسی: پیتیکوپیتیکو / در انگلیسی: clip clop
در این نام آوا دو همخوان مشترک /p/ و /k/ و یک واکه مشترک /i/ وجود دارد.

نمونه 4: صدای جوشیدن ← در فارسی: غُلْ غُلْ / در انگلیسی: gurgle

در این نام‌آوا همخوان مشترک /l/ و واکه مشترک [u] وجود دارد.

نمونه 5: صدای اُفتادن ← در فارسی: تِلپ / در انگلیسی: plop

در این نام‌آوا دو واج مشترک /p/ و /l/ وجود دارد.

نمونه 6: صدای قلب ← در فارسی: تاپ تاپ، بوم بوم / در انگلیسی: lub dub

در این نام آوا واج مشترک /b/ و واکه مشترک /u/ دیده می‌شود

نمونه 8: صدای زنجیر ← در فارسی: جیرینگ جیرینگ / در انگلیسی: jingle

در این نام‌آوا دو واج مشترک /g/ و /z/ و واکه مشترک /i/ وجود دارد.

نمونه 10: صدای سوختن ← در فارسی: جیلیز جیلیز / در انگلیسی: fizz

در این نام‌آوا واج مشترک /z/ و واکه مشترک /i/ دیده می‌شود.

نمونه‌هایی از جدول 2- مربوط به صداهای حیوانات:

نمونه 1: صدای خروس \Leftarrow در فارسی: قوقولی قوقو / در انگلیسی: cock-a-doodle-doo

در این نام آوا واج مشترک /l/ و واکه مشترک /u/ وجود دارد.

نمونه 4: صدای گنجشک \Leftarrow در فارسی: جیک جیک / در انگلیسی: cheep-cheep

در این نام آوا واکه مشترک /i/ دیده می‌شود.

نمونه 6: صدای زنبور \Leftarrow در فارسی: ویزویز / در انگلیسی: buzz

در این نام آوا واج مشترک /z/ وجود دارد.

نمونه 7: صدای کلاغ \Leftarrow در فارسی: غارغار / در انگلیسی: caw

در این نام آوا واکه مشترک /a/ دیده می‌شود.

نمونه 8: صدای جیرجیرک \Leftarrow در فارسی: جیرجیر / در انگلیسی: creak-creak

در این نام آوا واج مشترک /r/ و واکه مشترک /i/ دیده می‌شود.

نمونه‌هایی از جدول 3- مربوط به صوت عاطفی:

نمونه 2: صدای ناشی از درد \Leftarrow در فارسی: اُخ اُخ / در انگلیسی: ouch

در این نام آوا واکه مشترک /o/ وجود دارد.

نمونه 3: صدایی برای ایجاد جلب توجه مخاطب \Leftarrow در فارسی: اهِم / در انگلیسی: ahem

در این نام آوا دو همخوان یا واج مشترک /h/ و /m/ و یک واکه مشترک /e/ وجود دارد.

نمونه 5: عکس‌العمل از خوشمزه بودن چیزی \Leftarrow در فارسی: مَمَمَمَم / در انگلیسی: yummmm

در این نام آوا واج مشترک /m/ به صورت مکرر در هر دو زبان وجود دارد.

نمونه 6: صدای خوردن \Leftarrow در فارسی: مَلْچ مولوچ / در انگلیسی: munch

در این نام آوا دو واج مشترک /m/ و /č/ دیده می‌شود.

6- نتیجه‌گیری

در جستار حاضر نام‌آواهای دو زبان فارسی و انگلیسی به صورت مقایسه‌ای مطالعه شد. نخست تعداد 60 نام‌آوا در این دو زبان به همراه معنا و کاربردشان معرفی و توصیف گردید و سپس طبق سه نظریه ding-dong و pooh-pooh و bow-bow طبقه‌بندی شد. در پی آن، این نام‌آواها در دو زبان یاد شده بررسی و وجوه اشتراک و افتراق آنها مشخص و تبیین گردید. نتایج حاصل از بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌ها نیز در طبقه‌بندی پنج‌گانه به صورت ذیل قرار گرفت: نظام واجی متفاوت (محدودیت واجی)، الگوی هجایی متفاوت، تعابیر متفاوت از نام‌آوا و تکرار و دوگان‌سازی متفاوت. این موارد عواملی‌اند که تفاوت‌ها را تبیین می‌کنند و وجود واج‌های مشترک عاملی است که شباهت‌ها را آشکار می‌سازد. یافته‌های پژوهش همچنین حاکی از آن است که با وجود منبع صوت یکسان (صداهای طبیعت، صداهای حیوانات و اصوات عاطفی) و علیرغم باور به رابطه طبیعی بین لفظ و کاربرد/معنای نام‌آواها،

تفاوت‌های محسوس و بارزی را می‌توان در مطالعه بنیابانی نام آواهای فارسی و انگلیسی نشان داد. به بیانی دیگر مطابق معیارهای مورد بررسی در پژوهش، عواملی چند این تفاوت‌ها را نشان می‌دهد و شایان توجه است که دلایل ایجاد این تفاوت‌ها عواملی‌اند که هم زبانی و هم فرهنگی محسوب می‌شوند. بر این اساس با وجود واج‌های مشترک، به دلیل آنکه نظام واجی و نیز ساختار هجایی در دو زبان فارسی و انگلیسی متفاوت است و همچنین به دلیل آنکه جهان‌بینی و فرهنگ گویشوران این دو زبان باهم تفاوت دارد، بازنمایی و انعکاس نام‌آواها در این دو زبان یکسان نیست. از این رو، با وجودی که نام‌آواها از مظاهر طبیعت محسوب می‌شوند و بحث طبیعی بودنشان در مقابل قراردادی بودن آنها مورد قبول زبان‌شناسان است، اما شاید به جرأت بتوان ادعا نمود که طبق داده‌های مورد بررسی، نام‌آوایی به سمت زبان ویژه¹ شدن متمایل است. به بیانی دیگر فارسی و انگلیسی در اکثر موارد دارای نام‌آوهای خاص خود هستند و نتایج پژوهش موید این واقعیت است که بر اساس سه نظریه‌ای که بیان شد (در نام‌آوهای مربوط به صداهای طبیعت، صداهای عاطفی و انسانی و صداهای حیوانات، در این دو زبان) به طور کلی تفاوت‌ها بیشتر از شباهت‌ها است. هرچند که در مورد اصوات عاطفی، تفاوت‌های بین فارسی و انگلیسی اندکی کمتر است.

منابع

- مایل هروی، نجیب (1374). «پسوندی نام‌آوا ساز در گونه‌های فارسی خراسانی»، نامه فرهنگستان 2/1، صص 68-73.
- مشکوه الدینی، مهدی (1376). *سیر زبان‌شناسی*، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- وحیدیان کامیار، تقی (1375). *فرهنگ نام‌آوایی فارسی*، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- Crystal, D. (1997). *The Cambridge Encyclopedia of Language (2nd ed.)*, Cambridge University.
- Kord Zaferanlu Jambuzia, A. and Z. Rrahmani (2014). "Comparison between Onomatopoeia and Sound Symbolism in Persian and English and their Application in the Discourse of Advertisements", *International Journal of Basic Sciences & Applied Research*. Vol. 3 (SP), 219-225.
- Miller, CH.(2010). *Cross Lingual Onomatopoeia Recognition*, Arizona State university.
- Naoyuki, O. (1990). *Multidimensional Analysis of Onomatopoeia: a Note to Make Sensory Scale from Words*, Kyoto University Research Information Repository.

¹ - language specific

Sobkowiak ,W. (1990). *On the Phonostatistics of English Onomatopoeia*, Adam Mickiewicz University.

Yule, G. (2006). *The Study of Language*. 4rd ed. Cambridge: Cambridge University Publications.

سلسله
